

فرار به عراق

پس از قتل همسر و فرزند

پرونده مردی که متهم است پس از قتل همسر و نوزاد هشت‌ماهه‌اش به کشور عراق گریخته‌است، با درخواست قصاص از سوی اولیای دم رسیدگی می‌شود.

به گزارش جوان، تابستان سال ۹۸، مأموران پلیس از قتل مادر و نوزادی هشت‌ماهه در خانه‌شان باخبر و راهی محل شدند. بعد از حضور مأموران در محل آنها با جسد زن جوانی به نام یاسمن و نوزاد پسر هشت‌ماهه‌اش میلاد رویه‌رو شدند که با ضربات چاقو کشته شده بودند.

به دستور بازپرس ویژه قتل اجداد که چند روز از مرگ آنها گذشت بود به پزشکی قانونی فرستاده شد و تحقیقات در این زمینه آغاز شد. مأموران در اولین گام از تحقیقات خود، مرد همسایه را که با مأموران تماس گرفته بود و در محل حاضر بود مورد تحقیق قرار دادند. او در توضیح گفت: «چندروز پیش زن همسایه با شوهرش درگیر شده‌بود و صدای دادو فریاد آنها در ساختمان به گوش می‌رسید. پسر هشت‌ماهه آنها هم به شدت گریه می‌کرد. به خاطر درگیری خانوادگی دخالت نکردیم تا شاید این دعوا تمام شود، اما یکبار متوجه شدیم صدای آنها قطع شد طوری که انگار کسی در خانه نیست حالا گذشت چندروز هیچ رفت و آمدی به خانه آنها را ندیدیم و صدایی هم به گوش نمی‌رسد از نگرانی سراغ آنها را از دیگر همسایه‌ها گرفتیم، اما آنها هم بی‌خبر بودند. این شد که با مأموران تماس گرفتیم و بعد از آمدن آنها وقتی قتل در شکستیم با اجداد آنها رویه‌رو شدیم که خونین‌روی زمین افتاده بودند و دستان مادر به طرف فرزندش دراز بود.»

بعد از ثبت این توضیحات شوهر آن زن به نام سجاده به عنوان اولین مظنون به قتل تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه در روند تحقیقات و بررسی تلفن همراه مشخص شد وی به صورت غیر قانونی به کشور عراق گریخته است و تلفن همراهش نیز خاموش است، اما در بررسی‌های بیشتر مشخص شد او در فضای مجازی آنلاین در حال فعالیت است.

با بدست آمدن این اطلاعات مأموران خانواده سجاد را که در غرب کشور زندگی می‌کردند مورد تحقیق قرار دادند. پدر سجاد وقتی مورد تحقیق قرار گرفت در توضیح به مأموران گفت: «پسرم چند سال قبل دانشجو بود و در تهران درس می‌خواند. او با دختری آشنا شده بود و قصد از دواج داشت، اما ما مخالف این ازدواج بودیم. سجاد به حرف ما گوش نکرد و با آن دختر از دواج کرد و صاحب فرزند دختر شد به خاطر اختلاف عقیده نتوانست زندگی اش را ادامه بدهد به همین خاطر همسرش را طلاق داد.»

مرد سالخورده ادامه داد: «سجاد بعد از طلاق همسرش، این بار در تهران با یاسمن آشنا شد. او به شهرمان برگشت و در این باره ما با صحبت کردیم. بعد از شنیدن حرف‌های او و گرفتن بعضی مشخصات از یاسمن بنابین ازدواج هم مخالف بودیم، اما سجاد دست بردار نبود و این بار هم به حرف ما گوش نکرد. وقتی سماحت سجاد را دیدم عصبانی شدم و به او گفتم اگر با یاسمن ازدواج کند دیگر او را در جمع خانواده نمی‌پذیریم. حتی به او گفته‌ام اجاز نداد را بقیه فلیل هم رفت و آمد کند و تماس داشته باشد. سجاد همه این سختگیری‌ها را قبول کرد و گفت عاشق یاسمن است به همین خاطر این بار هم اعتنایی نکرد و با آن دختر ازدواج کرد. مدتی گذشت و از او بی‌خبر بودیم تا اینکه متوجه شدیم او و همسرش چند ماهی بعد از ازدواجشان از تهران به شهرمان آمده‌اند. ما آنها را نپذیرفتیم و به خانه راه ندادیم این شد سجاد به خانه پسر عمویش رفت و فردای آن روز هم به تهران برگشت.»

آن مرد گفت: «باور کنید در این سال‌ها از او هیچ خبری نداشتم تا اینکه فهمیدیم صاحب یک فرزند پسر شده‌اند. بعد از آن روزی پسر عمویش گفت سجاد چند بار با او تماس گرفته‌است، اما او پاسخ تماس‌هایش را نداده‌است. او از صحبت‌های سجاد متوجه شده‌بود که به پول نیاز داشته اما پسر عمویش او را گفته بود تا زمانی که با خانواده آشتی نکرده نمی‌تواند کاری برای او انجام دهد.»

مرد سالخورده در خصوص اختلاف پسر و عرویش گفت: «پسرم در کارهای فنی کار می‌کرد و به صورت تجربی آنها را یاد گرفته بود، اما شنیده بودم این اواخر بیکار شده بود و مشکلات مالی زیادی داشت. من فقط در جریان پولیش بودم و از اختلاف‌های بین آنها اطلاعی نداشتم و نمی‌دانم چرا این حادثه تلخ رقم خورد.»

بعد از توضیحات پدر متهم، مأموران این بار خانواده مقتول را مورد بازجویی قرار دادند. پدر مقتول که به سختی صحبت می‌کرد در اظهاراتش گفت: «روزی که سجاد به خواستگاری دخترمان امد من الان هم نمی‌دانم این حادثه هولناک به چه علت اتفاق افتاده است. هر وقت دخترم را می‌دیدم او از دربار هر زندگی‌اش و شوهرش سؤال می‌کرد راضی بود و گله‌ای نداشت فقط می‌دانستم دامادم بیکار است و مشکلات مالی زیادی دارا اما هیچ وقت از ما کمک نخواست.»

بنا بر این ترتیب پرونده با درخواست قصاص از سوی پدر و مادر مقتول کامل شد و به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. پرونده بعد از تعیین شعبه به دفتر شعبه دهم دادگاه رایج داده شد تا بعد از تعیین وقت از سوی هیئت قضایی شعبه رسیدگی شود.



پسر جوانی که پدر روانپزشکش را یکسال ونیم قبل به خاطر اختلاف مالی با شلیک گلوله به قتل رسانده بود، پس از دستگیری مدعی شد که برای فرار از دست پلیس گور خوابی می‌کرده است. متهم هنگام دستگیری به سبک فیلم‌های کنگستری قصد فرار از دست پلیس را داشت که به دام افتاد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۱ صبح جمعه‌اول شهرپور

سال ۹۸ بود که به مأموران پلیس پایتخت خبر رسید از طبقه‌اول مجتمع مسکونی حوالی خیابان قلهک صدای شلیک چند تیر شنیده شده‌است.

یکی از ساکنان ساختمان مسکونی به مأموران گفت: پس از شنیدن صدای شلیک چند تیر دیدم که پسر همسایه طبقه اول بپکر خونین پدرش را از ساختمان بیرون آورد و مدعی شد که مرد ناشناسی به او شلیک کرده و بعد هم با آمبولانس به بیمارستان منتقل کرد.

فرار از بیمارستان

با اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۲۴ قلهک راهی بیمارستان شدند که در یافتند مرد زخمی بر اثر شلیک تیری به‌قدسه سینماش روی تخت بیمارستان به کمک مرگ رفته و پسرش نیز از محل گریخته‌است، تیم جنایی پس از کشف کت کمری که مقتول به آن به قتل رسیده بود با آثار شلیک تیر روی در منتقل کرد و مدعی شد که پدرش زباله‌های خانه‌شان را به داخل خیابان برده و در نزدیکی سطل زباله از سوی مرد ناشناسی هدف شلیک گلوله قرار گرفته است. پس از این مرد زخمی به اتاق عمل منتقل شد و تیم پزشکی هم برای نجات جانش تلاش زیادی کردند اما او فوت کرد که متوجه شدیم پسرش هم از

حواالت

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

گور خوابی پس از قتل پدر

گفت: پدرم با فرید مشاجره لفظی می‌کردند که درگیری آنها بالا گرفت و ناگهان برادرم اسلحه کلتی را از اتاق برداشت و به سوی پدرم شلیک و او را زخمی کرد.

همسر مقتول هم گفت: چند روز قبل مادرم فوت کرد و لحظه حادثه هم در مراسم ختم مادرم بودم که به من خبر دادند شوهرم با شلیک گلوله به قتل رسیده‌است و الان هم نمی‌دانم قاتل چه کسی است.

یک سال ونیم بعد

همه شواهد و مدارک حکایت از آن داشت فرید قاتل پدرش است و به همین سبب مأموران پلیس وی را به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار دادند که در یافتند وی پس از قتل مقدار زیادی دالر از گاو صندوق پدرش برداشته و به مکان نامعلومی گریخته‌است. چند روز قبل در حالی که حدودا یک‌سال ونیم از حادثه گذشته بود و همچنان تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت مردی به مأموران پلیس خبر داد که قاتل هر چند روز یک بار شب‌ها به دیدن مادرش می‌رود و الان هم در خانه‌شان پیش مادرش است. بدین ترتیب مأموران پلیس به دستور قاضی حبیب‌الله صادقی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران برای دستگیری قاتل فراری از خانه مقتول شدند.

گروگانگیری

فرید وقتی متوجه شد مأموران پلیس برای دستگیری او قصد ورود به خانه را دارند به پشت بام فرار کرد و از آنجا به داخل کوچه رفت و با کرایه کردن یک موتوربی به سرعت از محل گریخت که مأموران پلیس به تعقیب او پرداختند. در ادامه مأموران پلیس با شلیک چند تیر هوایی به راننده موتور سیکلت دستور ایست دادند و مرد موتور سوار هم وقتی متوجه شد مأموران پلیس در تعقیب کر نشین او هستند موتور سیکلتش را کنار خیابان نگه داشت. در چنین شرایطی قاتل فراری با پای پیاده فرار کرد و پس از طی مسافتی خودروی پراپدی را دید که زن و مردی سرنشین آن بودند که جلوی خانه‌ای توقف کرده بود. متهم به سرعت خودروی را به خودروی پراید رساند و در خودروی باز کرد و راننده را به بیرون کشاند تا با گروگانگیری



شیوه از سوی متهم مورد آزار قرار گرفته است. او گفت: شب حادثه وقتی متهم خواست به من تعرض کند مقابلش مقاومت کردم. او ضربه‌ای به سرم زد که بیهوش شدم و متهم در همان حال بیهوشی به من تعرض کرد. وقتی به بیمارستان منتقل شدم متوجه شدم که جمجمه‌ام ترک برداشته و برده گوشم پاره شده‌است.

سرهنگ کاراگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: دستور انتشار تصویر بدون پوشش متهم از سوی بازپرس شعبه‌ششم دادسرای امور جنایی پایتخت صادر شده‌است. وی از شاکیان احتمالی خواست برای مطرح کردن شکایت به شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران یا اداره شازدهم پلیس آگاهی مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۵۱۰۵۵۵۱۶ پلیس آگاهی تماس بگیرند. سرهنگ نثاری به شاکیان اطمینان داد که مشخصات و هویت آنها بر ملا نخواهد شد.

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی و کارت شناسایی خودرو پژو تیپ ۴۰۵ GLX مدل ۱۳۸۳ رنگ مشکی متالیک شماره پلاک (ایران ۸۹ ۱۴۴ ۴۱) به شماره موتور ۲۱۰۷۸۰۲۴۸۳ و شماره شاسی ۸۳۰۲۲۱۴۲ متعلق به زینب روزبان مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز خودرو پراید تیپ جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۳ رنگ مشکی روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸ ۴۱۷ ب ۴۳) به شماره موتور ۰۹۶۲۹۹۷ و شماره شاسی ۵۱۴۱۲۲۸۳۳۲۵۶۹۱ متعلق به فرهاد پور زارع مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

ادراکات

حسین فصیحی

حرام خوری خوشمزهاست

روح نظامی گنجوی شاد که فرمود: هردم از این باغ بری می‌رسد/نختر از نختر تری می‌رسد

این بیت از شعر نظامی، وصف حال دولت مستقر است که از زمان استقرار هر چند مدعی ایجاد اعتدال در جامعه بود، اما ثمرهای جز ترویج بی‌اعتمادی و نفاق بر جای نگذاشت. بی‌اعتمادی از آن روی که سرمایه اجتماعی را که یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های هر کشور است بر باد داد. این را هم اضافه کنم که این یک یادداشت سیاسی نیست، اما رفتار و سخنان بی‌پایه و اساس بسیاری از سیاستمداران به آسیب اجتماعی تبدیل می‌شود،از همین روست که وقتی رئیس دولت سخنی هر چند امیدبخش بر زبان می‌راند یا واکنشی منفی از سوی مردم مواجه می‌شود، مثلاً وقتی می‌گوید «هن هنوز واکنس ن‌دهام، چون نوبت به من نرسیده»، سخشنش باورپذیر جلوه نمی‌کند و با طنز در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود. سابقه این بی‌اعتمادی از آن جانشنت می‌گیرد که زمانی گفت: «چنان رونق اقتصادی ایجاد کنیم که کسی دنبال یارانه نرود.» وقتی این سخن را با وضع موجود جامعه قیاس می‌کنیم متوجه می‌شویم فعالیت‌های صورت گرفته دولت از یک سو اشرف‌افران را تشرافی‌تر از دیگر سواروهای دادگستری‌ها، زنان‌ها و ارماگها را شلوغ‌تر کرده‌است. همین چندتی قبل بود که خیل عظیمی از متقاضیان حضور در آوردگاه بورس به پشتوانه سخن وی سرمایه زندگی‌شان را روانه بازار بورس کردند، اما به خاک سیاه نشستند و ثمره آن روانه جیب سرمایه‌داران شد. در همین دولت مستقر است که مشخص می‌شود واکنس‌هایی که باید به رفتگران تزیق شود را مدیران شهری و غیر شهری تزییق می‌کنند. آنها به زعم این که می‌دانند باید در نوبت رسیدگی قرار گیرند، اما به راحتی وجدانشان قبول می‌کند حق رفتگری بی‌ضاعت را بالا بکشند، اگر رفتار به خاطر ابتلا به کرونا کنار خیابان یا در راهروی بیمارستانی دولتی جانش را از دست داد ملائی نیست اما در سایه همین مدیریت دولتی باید به مدیر شهری و افشارش واکنس خارج از نوبت تزییق شود تا حیانشان ادامه پیدا کند.

با همین طور یک‌نفر نیست پیدا شود و بگوید ۲۰۰ هزار دوز و اکسنی که در چرخه تزییق گذشته کجا رفت و ثروت کدام مدیر دولتی را افسانه‌ای‌تر کرده است؟ چگونه می‌شود در سایه این همه ادعاهای بر طعطرارق ۲۰۰ هزار دوز و واکنس هم‌شود یا راه به بازار سیاه پیدا کند و هم آب از آب تکان نخورد؟ کجای دنیا امی شود پیدا کرد که مدیران مدعی‌اش برای کسب قدرت و ثروت بیشتر این گونه بخت ملت خویش را سیاه کند؟ چگونه است که در شوراهای شهر این گونه فساد ایجاد می‌شود به گونه‌ای که شوراهای شهر به جرم فساد منحل می‌شوند و آب هم از آب تکان نمی‌خورد؟ این‌ها و بیشتر از این اتفاق‌های ناگواری است که مدام مقابل چشمان همگان در حال روی دادن است که در آن عده‌ای قلیل اموال عمومی و غیر عمومی مردم را می‌خورند و آب هم از آب تکان نمی‌خورد.

قتل برادر با چاقو

مرد میانسال‌ی پس از قتل برادر جوانش از محل فرار کرد. تحقیقات برای دستگیری برادر ناخلف ادامه دارد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۰ صبح روز پنج‌شنبه ۱۳ اردیبهشت قاضی حبیب‌الله صادقی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری امام‌زاده حسن از قتل پسر جوانی باخبر و همراه تیمی از کاراگاهان ادا دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که آبارتمان مسکونی در خیابان فلاح است با جسد پسر ۲۶ ساله‌ای رویه‌رو شدند که با اصابت ضربه چاقویی به گردنش به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول همراه برادر ۴۲ ساله‌اش در این خانه زندگی می‌کرده است که لحظاتی قبل در درگیری با او به قتل می‌رسد. خواهر زاده مقتول گفت: من در واحد کناری آنها زندگی می‌کردم که لحظاتی قبل متوجه صدای درگیری دو دایم‌ام شدم. وقتی از خلع‌ام بیرون آمدم در خانه آنها باز بود و وارد خانه آنها شدم که دیدم دایی کوچکم خونین‌روی زمین افتاده و دایی بزرگم نیز فرار کرده است. همزمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی مأموران پلیس به دستور قاضی حبیب‌الله صادقی تحقیقات گسترده‌ای را برای دستگیری قاتل فراری آغاز کردند.

مرگ ۵ سرنشین پژو در سقوط شبانگاهی

سقوط خودروی سوواری پژو ۲۰۶ به کانال آب در بزرگراه شهید باسینی مرگ پنج سرنشین آن را رقم زد.

به گزارش جوان، جلال ملکی، سخنگوی آتش نشانی تهران گفت: ساعت ۲۳:۰۷ جمعه ۱۲ اردیبهشت آتش نشنان از حادثه از سقوط خودروی پژو به کانال آب در بزرگراه یاسینی با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که خودروی پژو ۲۰۶ به کانال آب خ‌شک بود و واژگون شده و به علت شدت حادثه نتوانست کاملاً مچاله شده‌است. بررسی‌ها نشان داد که خودرو از مسیر بزرگراه شهید بابایی در حال تردد بوده که به دلایل نامشخصی پس از برخورد با گاردریل‌های کنسرای بزرگراه به کانال حاشیه‌جاده یاسینی سقوط کرده‌است.

جلال ملکی ادامه داد: در بررسی‌های بعد مشخص شد پنج سرنشین خودرو که چهار مرد و یک زن، ۵۱ تا ۴۰ ساله بوند به علت شدت جراحت جان باخته‌اند که اجداد به پزشکی قانونی منتقل شد. علت حادثه از سوی پلیس در دست بررسی است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۲۸۳/۴۰ مورخه ۹۹/۹/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گرمی تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خاتم اند اندام بشیری نورالله بیگلرو به شماره شناسنامه ۴۰ کد ملی ۸۱۱۲۸۲/۱۶۲۰۸۱۱۲۸۲ فرزند اسیر نسبت به شش دانگ یکپاک خانه به مساحت ۲۰۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۴ اصلی واقع در قره به حاجی احمد کندی بخش ۱۶ در ادبیل حوزه ثبت ملک گرمی خریداری از مالک رسمی آقای برات بشیری مجرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشد می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول روز شنبه مورخه ۱۴۰۰/۲/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۰/۳/۱۰

م الف: ۱۰۱۴

سعید نیکخوا، مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گرمی

مرگ مادر و دختر زیر چرخ‌های کامیون

تصادف سوواری پراید با کامیون در محور حسن آباد به چرمشهر تهران که به جاده مرگ معروف است این بار مرگ مادر و دختر خردسال را رقم زد.

به گزارش جوان، مأموران پلیس راه تهران از حادثه رانندگی در محور حسن آباد به چرمشهر با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که سناحه بین خودروی پراید و کامیون رقم خورده که در جریان آن راننده و سرنشین پراید که زن ۳۰ ساله و دخترچه شش ساله‌اش بودند به علت شدت جراحت فوت شده‌اند.

بررسی‌های بیشتر نشان داد که راننده پراید به علت عدم توانایی در کنترل خودرو در پیچ از رویه‌رو با کامیون تصادف کرده به طوری که کامیون ۲۰ متر پراید را زیر چرخ‌های خود کشیده و کنار مسیر متوقف شده است.